

۱۳۵۶ش؛ ناصر خسرو، دیوان، به کوشش جعفر شعار و کامل احمد نژاد، تهران، ۱۳۷۸ش؛ نجم‌الدین رازی، عبدالله، «رسالة الطيور»، رتبة الحيات، خواجه يوسف همدانی، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ نوری، حسین، نجم الثاقب، قم، ۱۴۱۲ق؛ هروی، احمد انواریه، به کوشش حسین ضیایی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ همدانی، حسن، الاکلیل، بغداد، ۱۹۸۰م؛ همدانی، عبدالصمد، بحر المعارف، قم، ۱۳۶۶ش؛ همدانی، محمد، عجایب نامه، به کوشش مدرس صادقی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ یاقوت، بلدان، نیز:

«Baruch II», *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English*, ed. R.H. Charles, Oxford, 1973, vol. II; Clarke, A., *The New Testament of our Lord*, New York, 1977; Corbin, H., *L'Archange empourpré, Quinze traités et récits mystiques*, Fayard, 1976; id., *Creative Imagination in the Sūfism of Ibn 'Arabi*, tr. R. Manheim, New Jersey, 1969; id., *L'homme de lumière dans le soufisme iranien*, Paris, 1971; id., *En Islam iranien*, Paris, 1972; id., *Le Livre des Pénétrations métaphysiques (Kitāb al-Mashā'ir)*, Tehran/Paris, 1964; id., *Mundus Imaginalis or the Imaginary and the Imaginal*, http://www.hermetic.com/bey/mundus_imaginalis.htm; id., *Terre céleste et corps de résurrection*, Paris, 1960; *Corpus Hermeticum*, ed. A.D. Nock, tr. A.J. Festugière, Paris, 1983; Ellicott, Ch. J., *Commentary on the Whole Bible*, Michigan, 1959; «Enoch I», *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English*, ed. R. H. Charles, Oxford, 1973, vol. II; ERE; «Ezra IV», *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English*, ed. R. H. Charles, Oxford, 1973, vol. II; Merkur, D., *Gnosis, An Esoteric Tradition of Mystical Visions and Unions*, New York, 1993; *The Nag Hammadi Library in English*, tr. Members of the Coptic Gnostic Library Project, Leiden, 1984; Plato, *The Republic*, tr. Benjamin Jowett, New York, 1968; «Tobit», *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English*, ed. R. H. Charles, Oxford, 1973, vol. I; Turner, N., «Revelation», *Peak's Commentary on the Bible*, eds. M. Black and H. H. Rowley, London/New York, 2001; Vanderkam, J. and P. Flint, *The Meaning of the Dead Sea Scrolls*, New York, 2002.

خیرا ارستجانی

غیاث‌الدین، حبیب‌السیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۳۳ش؛ رازی، امین‌احمد، *فتت اقلیم*، تهران، ۱۳۴۰ش؛ راوندی، سعید، *قصص الانبیاء*، به کوشش غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، ۱۴۰۹ق؛ *رسائل اخوان الصفا*، به کوشش عارف تامر، بیروت، ۱۴۱۵ق؛ رشتی، سید کاظم، *شرح التصدید*، تهران، ۱۳۷۲ق؛ *روایت پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، ۱۳۶۷ش؛ سبزواری، ملاهادی، *اسرار الحکیم*، به کوشش ابراهیم میانجی، تهران، ۱۳۸۰ش؛ همو، *تعلیقات بر الشواهد الربوبیه* جلال‌الدین شیرازی، به کوشش جلال‌الدین آشتیانی، تهران، ۱۳۶۰ش؛ همو، *رسائل*، به کوشش جلال‌الدین آشتیانی، تهران، ۱۳۷۰ش؛ همو، *شرح المنظومه*، به کوشش حسن حسن‌زاده آملی، قم، ۱۴۲۲ق؛ سنایی، دیوان، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۴۱ش؛ سوزنی سمرقندی، محمد، *دیوان*، به کوشش ناصرالدین شاه حسینی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ سیورودی، یحیی، *مجموعه مصنفات*، به کوشش حسین نصر و هانری کرین، تهران، ۱۳۵۵ش؛ سیوطی، *اللائی المصنوعة*، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ شایگان، داریوش، *هانری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمه باقر پیراهام، تهران، ۱۳۷۱ش؛ شستری، محمود، *گلشن راز*، به کوشش صمد موحّد، تهران، ۱۳۶۸ش؛ شعرانی، ابوالحسن، *تعلیقات بر اسرار الحکیم*، (نک: هم، سبزواری)؛ شومان، ه. و. آیین بودا، *طرح تعلیمات و مکتبهای بودایی*، ترجمه ع. پاشایی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ شیروزی، محمد، *شرح حکمة الاشراق*، به کوشش حسین ضیاء ترینی، تهران، ۱۳۷۲ش؛ صدرالدین شیرازی، محمد، *الاشراق*، تهران، ۱۳۷۹ق؛ همو، *تعلیقه بر شرح حکمة الاشراق* قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۱۳ش؛ همو، *الشواهد الربوبیه*، به کوشش جلال‌الدین آشتیانی، تهران، ۱۳۶۰ش؛ صدرالدین قنوی، محمد، *الذکر*، به کوشش محمد خواجوی، تهران، ۱۴۱۳ق؛ همو، *النشأت الالهیه*، به کوشش محمد خواجوی، تهران، ۱۴۱۷ق؛ صفار، محمد، *بصائر الدرجات*، تهران، ۱۳۶۲ش؛ صفی‌پوری، عبدالرحیم، *متبسی الارب*، تهران، ۱۴۲۷ق؛ طبری، *تاریخ*، بیروت، ۱۳۸۷ق؛ طوسی، محمد، *عجایب المخلوقات*، تهران، ۱۳۴۵ش؛ عطار نیشابوری، فریدالدین، *منطق الطیر*، به کوشش صادق گوهرین، تهران، ۱۳۴۸ش؛ عهدجدید؛ *عید عتیقی*؛ غراب، محمود محمود، *الخیال* (من کلام محیی‌الدین ابن‌العربی)، دمشق، ۱۴۰۴ق؛ غزالی، احمد، *بحر الحقیقه*، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ همو، *داستان مرغان*، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ غزالی، محمد، «رسالة الطیر»، همان؛ فخرالدین رازی، *المباحث المشرفیه*، به کوشش محمد معتمد بالله بغدادی، بیروت، ۱۴۱۰ش؛ فردوسی، *شاهنامه*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ فرغانی، سعید، *مشارق الدراری*، به کوشش جلال‌الدین آشتیانی، مشهد، ۱۳۹۸ق؛ فیض کاشانی، محمدحسن، *کلمات مکتوبه*، تهران، ۱۳۴۲ق؛ *قاموس قرآن کریم*؛ قرطبی، محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م؛ قزوینی، محمد، *بیست مقاله*، تهران، ۱۳۶۸ش؛ قطب‌الدین شیرازی، محمود، *شرح حکمة الاشراق سهروردی*، به کوشش عبدالله نورانی و مهدی محقق، تیزان، ۱۳۷۹ش؛ قیصری، داوود، *شرح قصص الحکیم*، تهران، ۱۳۹۹ق؛ کرین، هانری، *ابن سینا و تمثیل عرفانی*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، ۱۳۸۷ش؛ کرمانی، محمدکریم، *مجموعه الرسائل*، کرمان، ۱۳۴۸-۱۳۵۴ش؛ *گزیده‌های زادسیرم*، ترجمه محدثی راشد محصل، تهران، ۱۳۶۶ش؛ لاهیجی، عبدالرزاق، *گهر مراد*، تهران، ۱۳۷۲ش؛ *لغت‌نامه و مخداه*؛ مجتبی، فتح‌الله، «سهروردی و فرهنگ ایران باستان»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، تهران، آذر و دی ۱۳۸۰؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۱۲ق؛ *مجلس التواریخ و التصرف*، به کوشش محدثی بیهار، تهران، ۱۳۱۸ش؛ مسعودی، علی، *اختیار الزمان*، بیروت، ۱۳۸۶ق؛ معزی، محمد دیوان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۱۸ش؛ معصوم‌علی‌شاه، محمد معصوم، *طرائق الخفای*، به کوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۱۳۴۵ش؛ معین، محمد، «هورقلیا»، *مجموعه مقالات*، به کوشش مهدخت معین، تهران، ۱۳۶۷ش؛ مقدسی، مطهر، *البده و التاریخ*، به کوشش کلمان هوار، پاریس، ۱۹۰۱م؛ مولوی، *مثنوی معنوی*، به کوشش نصرالله پورجوادی و نیکلسن، تهران، ۱۳۶۳ش؛ میرداماد، محمدباقر، *چندوات*، تهران،

جاییبه، روستایی از توابع دمشق در سده‌های نخستین اسلامی که امروزه به صورت خرابه‌ای باستانی در حوران، از توابع منطقه ایزرع، در استان درعی سوریه واقع است. این خرابه بر «تل جاییبه» - که مخروطی آتش‌فشانی در حدود ۸۰ کیلومتری جنوب دمشق و ۴ کیلومتری شمال غربی شهر نوب واقع است و از سمت غرب بردشتی هموار مشرف است - قرار دارد (المعجم... ۵۹۹/۲: EI²).

نام جاییبه هرچند صورت عربی (اسم فاعل) دارد و آن را در لغت به معنی حوضی بزرگ و وسیع دانسته‌اند که آب در آن جمع می‌شود و شتران از آن می‌نوشند (خلیل بن احمد، ۱۹۲/۶؛ ابو عبید، ۳۵۵/۱)، اما تداول آن در نوشته‌های سریانی - (به شکل جاییثا) در ضمن اسامی دیرهای کهن سوریه، نشان می‌دهد که جاییبه صورت معرب نام سریانی است که در واقع معنی اصل کلمه (محل نگهداری و ذخیره کردن) را می‌رساند و از ریشه مشترک آرامی مشتق شده است (حلو، ۱۷۳). نمایان‌ترین بقایای جاییبه دیوار شرقی و آثار شالوده‌های یک بنا و سنگهای تراشیده پراکنده است. نزدیک آنجا غاری وجود دارد که به سوی شرق باز می‌شود. راهی خاکی شهر نوب را با خرابه باستانی جاییبه مرتبط می‌سازد (المعجم، همانجا).

جغرافیاتویسان مسلمان جاییبه را روستایی از توابع دمشق

26 AGUSTOS 1991

madde : Cabiye

A. Br. : c. , s.

B. L. : c. Q, s. 2110

F. A. : c. , s.

M. L. : c. II, s. 722

T. A. : c. R, s. 160

كِتَابُ غَوَامِضِ الْأَسْمَاءِ الْمُبْتَمَةِ

الوَاقِعَةُ فِي مُتُونِ الْأَحَادِيثِ الْمُسْنَدَةِ

تَأَلِيفُ

لِلْحَافِظِ أَبِي الْقَاسِمِ خَلْفِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ بَشْكَوَالٍ

(ت ٥٧٨ هـ)

تَحْقِيقُ
دَكْتُورُ

عِزَّ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدِ كَيْمَالِ الدِّينِ عِزَّ الدِّينِ

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi

ayıt No : 8852-1

asnif No : 293-3
BRŞ-6

المجلد الأول

٧ - ١

عالم الكتب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

m. Fayda

Caluize b. Kudanie
121-122

بيروت - المزرعة، بكاتبة الإيتمان - الطابق الأول - ص ٨٧٢٣
تلفون: ٣-١١٦٦١ - ٣١٥١٤٢ - ٣١٣٨٥٩ - بَرَقِيَا: نابعلبي - للكن: ٢٢٢٩٠

(٢٢) خَيْرٌ آخِرُ

جَارِيَةُ بِنُ قُدَامَةَ

أبو الدرداء عبد الله بن عمر - سفيان بن عبد الله

قرأت على أبي بكر محمد بن عبد الله الناقد: أخبرك أبو الحسن مبارك بن عبد الجبار الصيرفي فأقر به قال: ثنا أبو الحسن علي بن محمد السمسار قال: ثنا محمد بن مظفر، ثنا محمد بن الحسين الخنعمي قال: ثنا أبو سبرة ثنا محمد بن عبد الرحمن، ثنا مطرف عن مالك، عن ابن شهاب، عن حميد، عن أبي هريرة: أن رجلاً سأل رسول الله - ﷺ - فقال: يارسول الله، علمني كلمات أعيش بهن ولا تكثر علي فأنسى! فقال رسول الله - ﷺ -: «لا تغضب».

الرجل المذكور: قيل: إنه جارية بن قدامة [التميمي].

الحجة في ذلك: ما قرئ على أبي محمد عبد الرحمن بن محمد ابن عتاب وأنا أسمع، عن أبيه - رحمه الله - عن أبي القاسم خلف بن عيسى قال: ثنا عبد الله بن يوسف، ثنا محمد بن وضاح، عن أبي بكر بن

حديث مالك في الموطأ بشرح تنوير الحوالك ص ٢/٢١٢ - (ما جاء في الغضب) وهو عن حميد بإسقاط أبي هريرة من السند. قال السيوطي: وصله مطرف عن مالك عن الزهري عن حميد عن أبي هريرة... والرجل المذكور: جارية بن قدامة التميمي، عم الأحنف بن قيس وقد ورد هذا الحديث من حديثه أيضاً، ومن حديث أبي سعيد الخدري.

وجاء بإبهام السائل في جامع الترمذي (باب ما جاء في كثرة الغضب) عن أبي صالح عن أبي هريرة ص ٢/٣٧ برقم ٢٠٢٠.

وقال الطبراني في المعجم الكبير ص ٢/٢٩٢ - في ترجمة الباب: جارية بن قدامة السعدي التميمي، عم الأحنف بن قيس، وليس بعمه أخي أبيه، ولكنه كان يدعوه عمه على سبيل الإعظام. وقد ساق الطبراني روايات الباب المتعددة من رقم ٢٠٩٣ - إلى - ٢١٠٧ ص =

أبي شيبه قال: ثنا ابن نمير عن هشام بن عروة، عن أبيه، عن الأحنف بن قيس، عن ابن عم له من بني تميم عن جارية بن قدامة: أنه سأل رسول الله - ﷺ - فقال: يارسول الله، قل لي قولاً لا ينفعني وأقلل لعلي أعيه. قال: «لا تغضب».

وخبّرنا أبو بحر الأسدي - إجازة منه لي - عن أبي العباس العذري قال: ثنا أبو ذر عبد بن أحمد قال: ثنا الدارقطني علي بن عمر قال: ثنا أبو بكر النيسابوري ثنا عبد الرحمن بن بشر بن الحكم (ح).

قال: وحدثنا محمد بن العلاء الشونيزي قال: ثنا يعقوب الدورقي قال: حدثنا يحيى بن سعيد عن هشام عن أبيه، عن الأحنف بن قيس، عن جارية بن قدامة قال: يارسول الله، قل لي قولاً وأقلل لعلي أعقله! فقال رسول الله - ﷺ -: «لا تغضب» حتى أعاد عليه مراراً، كل ذلك يقول: «لا تغضب».

قال عبد الرحمن بن بشر بن الحكم في حديثه: قال يحيى: قال

٢/٢٩٢ - وما بعدها: منها: (عن الأحنف بن قيس عن عمه أو غيره: ذكر جارية بن قدامة أنه قال... ومنها: «عن الأحنف بن قيس عن جارية بن قدامة... ومنها: «عن الأحنف بن قيس عن ابن عم له قال: قلت يارسول الله... ومنها عنه «عن ابن عم له من بني تميم عن جارية بن قدامة أنه قال... ومنها عن عم له من بني تميم يقال له جارية بن قدامة أنه سأل... ومنها «عن الأحنف عن جارية بن قدامة أنه سأل...».

وللحديث عنه روايات متعددة في مسند الإمام أحمد، وأبي يعلى، وجمع الزوائد، وابن حبان لا نطيل بسردها، وقد ترجم له ابن حجر في الإصابة برقم ١٠٥١ ص ١/٤٤٥ - مع ذكر الحديث وذكر أكثر من طريق لصحة صحته منها عدة عند ابن سعد فيمن نزل البصرة من الصحابة ومنها قول ابن أبي حاتم. كما قال أيضاً في التقریب ص ٥٣ «جارية بن قدامة التميمي السعدي صحابي على الصحيح مات في ولاية يزيد» ومن قال: إنه تابعي العجلي كما في خلاصة التذهيب ص ٥١ - ولكن كلام ابن حجر فيما عهدناه حجة لدقة منهجه في البحث، ويؤيد ذلك ما ذكره أبو أحمد العسكري في تصحيح الحديثين ص ١٩٢ - من أن جارية لحق بالنبي - ﷺ - وروى عنه، وقد ساق مع التعريف به ذلك الحديث، ومن شكك في صحته كذلك أبو يعلى كما نوه به المنذري في الترغيب والترهيب ص ٥/١١٥.



المؤتمر الدولي الرابع لتاريخ بلاد الشام
بلاد الشام في العهد الأموي



IRCIQA: 20342

محاضر الندوة الثالثة

٢-٧ ربيع الأول ١٤٠٨ هـ - ٢٤-٢٩ تشرين الأول ١٩٨٧ م
القسم العربي - المجلد الاول

تحرير

محمد عدنان البخيت

عمان / ١٩٨٩ م

المؤتمر الدولي الرابع لتاريخ بلاد الشام (بلاد الشام في العهد الأموي)

مؤتمر الجابية

ابراهيم بيضون

يرتبط ذكر الجابية في المصادر العربية بالأزديين وأمرانهم بني غسان ، إذ اقام هؤلاء أول المستقرات العربية في بلاد الشام ، وشكلوا ما سمي بالدولة « الحاجزة » التي استخدمت رأس حربة للدولة البيزنطية ضد اعدائها الفرس الساسانيين ، فضلاً عن وقوفها في وجه « الزحف » القبلي الصاعد نحو الشمال ، نتيجة الاضطرابات السياسية والاقتصادية التي عانتها اليمن منذ القرن الرابع الميلادي^(١). ولكن ثمة رواية لا تخلو من الغموض ، تشير إلى ان مجموعة تنتسب إلى قضاة سبقت الأزديين بقيادة بني ضجعم^(٢) الذين وصفهم ابن حبيب بانهم « الملوك بالشام قبل قدوم غسان »^(٣)، التي اقبلت في جمع عظيم^(٤) بعد ذلك وانتزعت منهم الملك، بدعم من الدولة البيزنطية ، التي لم تشأ إطالة هذا الصراع ، خشية التدخل الفارسي لمصلحة أحد الطرفين ، فأدى ذلك إلى نشوء الحاجز « القبلي الشامي لحماية المصالح البيزنطية »^(٥).

وتكاد الأخبار تتفق على أن الحارث بن جبلة (٥٢٩ - ٥٦٩ م) ، كان من أشهر «ملوك» بني غسان في الشام ، حيث برزت في عهده الجابية كحاضرة^(٦) لهم أو مقرّ لنفوذهم

١ - الغزو الحبشي الاول... وما قيل عن انهيارات السد او السدود التي رافقت ضعف النفوذ الحميري في اليمن، والتدخل الخارجي (السياسي والديني) وصولاً إلى الغزو الحبشي الثاني في النصف الثاني من القرن الخامس الميلادي.

٢ - بنو ضجعم بن حماطة بن سعد بن سليم بن عمرو بن الحاف بن قضاة. ابن حبيب ابي جعفر محمد بن حبيب بن امية عمر الهاشمي البغدادي «ت ٢٤٥هـ/٨٥٩م»، المحبر اعنتت بتصحيحه ايلزه ليختن شتيتير، منشورات المكتب التجاري للطباعة والتوزيع، بيروت، ص ٢٧٠، سيشار لهذا المصدر عند وروده هكذا، ابن حبيب. المسعودي ابو الحسن علي بن الحسين بن علي، «ت ٢٤٦هـ/٩٥٧م» مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج٤، وضع فهارسه يوسف اسعد داغر، دار الاندلس، بيروت، ١٩٦٥م، ج٢، ص ٨٢، سيشار لهذا المصدر عند وروده هكذا، المسعودي، مروج.

٣ - ابن حبيب، ص ٢٧٠.

٤ - كانت غسان بقيادة ثعلبة بن عمرو بن المجالد بن عمرو بن عدي بن عمرو بن مازن بن الازد، المحبر، ص ٢٧١، جواد علي، الفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج١٠، ط٢، دار العلم للملايين، بيروت ومكتبة النهضة بغداد، ج ٢، ص ٢٩٢، وسيشار لهذا المرجع عند وروده هكذا، جواد علي.

٥ - المسعودي، مروج، ج٢، ص ٨٢.

٦ - جواد علي، ج٢، ص ٤٢٢.

المؤتمر الدولي الرابع لتاريخ بلاد الشام (بلاد الشام في العهد الأموي)

رضوان السيد

ايضاً. قد كان هناك من رأى أن الخلل كامن في طبيعة النظام السياسي الاسلامي نفسه مما حال ويحول بينه وبين التحول إلى مؤسسة^(٢٤٤). ويرجع ذلك إلى أن المسلمين كانوا يبحثون كل الوقت عن «مؤسسة بديلة» أو «تعويضية» عن مؤسسة النبوة!! لذلك بدت كل أشكال السلطة يعد موت النبي ﷺ مخيبة للأمال، وناقصة الشرعية، ومقضية عليها بالسقوط. لكن هذا غير صحيح، وهو يعود بنا ولو بشكل آخر لمسألة الصراع المزعوم بين «سنة النبوة» و«سنة الخلافة». ففي نص القرآن أن محمداً صلوات الله وسلامه عليه هو خاتم النبيين، وأن الأمة هي الوارثة. وفي الأثر القديم الذي أوردته أن المسألة في الاسلام غيرها عند بني اسرائيل^(٢٤٥).

لقد كان «أهل الشورى» وأصحاب «الكتاب والسنة»، وأنصار «إمارة المؤمنين» أعلى الناس صوتاً في معارضة الأمويين، والمطالبة بإزالة ملكهم. لكنهم عندما سقطوا لم يسقطوا لصالح هذا التيار، بل لصالح تيار القرابة وخلافة الله. فقد تمكنت جماعة صغيرة في الأصل، حسنة التنظيم، أيديولوجيتها خلافة الله، والقرابة بالنبي ﷺ أن تقطف ثمار الصراع بين أهل الملك وأهل الشورى. لكن سقوط الأمويين لم يته النزاع بين كتاب الله وسلطان الله - كما جاء في بعض الآثار^(٢٤٦). كما أن سقوط الأمويين لم يته ذكراهم في أخلاذ الناس وأوهامهم، وأحلامهم المهدية والنشورية^(٢٤٧). ففي المصادر أن هارون الرشيد (١٧٠-١٩٣هـ) سأل المحدث المعمر، وقارئ القرآن المعروف أبا بكر بن عياش (٩٧-١٩٣هـ) عن رأيه في الأمويين والعباسيين وقد أدرك الدولتين، فأجاب^(٢٤٨): أنتم أقوم بالصلاة، وأولئك كانوا أنفع للناس.

(٢٤٤) T. Nagel: Rechtleitung und Kalifat 63ff

(٢٤٥) انظر الأثر عند الحاشية رقم ٢٢٤.

(٢٤٦) انظر آثاراً في مواقف الأفراد إذا نشب الصراع بين القرآن والسلطان: مصنف ابن ابي شيبة ١١٧/١٥، ١١٩، والاموال لابن زنجويه ١٢٨/١-١٢٩، والمستدرک ٤٥٨/٤.

(٢٤٧) انظر عن ذلك: الفتن لتعيم بن حماد ق ١٦٢ (بدو فتنة الشام)، وق ٦٥ (المعقل من الفتن)، وق ١٧٤ (صفة السفيناني)، وق ٧٥ (بدو خروج السفيناني)... الخ.

(٢٤٨) سير اعلام النبلاء ٤٩٨/٨.

١٩٥ - ١٤٣ -
05 ARALIK 1995

MADDE YATQI ANDIKTAN
SONLA GELIN BUKUMAN

- ١٤٢ -

الاختصاص، [منسوب به] محمد بن محمد مفید، چاپ علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بی تا].؛ محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، قم: مكتبة المحمدي، [بی تا].؛ علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلکین، چاپ هلموت ریتز، ویسبادن ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ محمد بن اسماعیل بخاری، کتاب التاريخ الكبير، ديار بكر: المكتبة الاسلامية، [بی تا].؛ تستری، حرزعامی، احمد بن علی خطیب بغدادی، تقييد العلم، چاپ يوسف عش، [بیروت] ۱۹۷۴؛ خوئی، سمعانی، احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ ابراهیم بهادری و محمد هادی به، قم ۱۴۲۵؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، الفهرست، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۷؛ احمد بن عبدالله عجلی، معرفة الثقات، چاپ عبدالعلیم عبدالعظیم بستری، مدینه ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ محمد بن عمرو عقیلی، کتاب الضعفاء الكبير، چاپ عبدالمعطی امین قلجی، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۸؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الکثی، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، تصحیح و تعلیق محمدباقر بن محمد میرداماد، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۴۰۴؛ حسین مدرس طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۸۳ ش؛ یوسف بن عبدالرحمان مزنی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ محمد علی موحدی ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی العباس احمد بن علی النجاشی، ج ۵، قم ۱۴۱۷؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷؛ احمد بن علی نسائی، کتاب الضعفاء و المتروکین، چاپ محمود ابراهیم زاید، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ نثوان بن سعید حمیری، الحورالعین، چاپ کمال مصطفی، چاپ ائت تهران ۱۹۷۲؛ حسین بن موسی نویختی، فرق الشيعة، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۹۳۶/۱۳۵۵؛ حسین بن محمد تقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۲۰-۱۴۱۵؛ یعقوبی؛

Michael Cook, "The opponents of the writing of tradition in early Islam", *Arabica*, XLIV, no.4 (Oct. 1997); *ET*², suppl., fascs. 3-4, Leiden 1981, s.v. "Dj ābīr al-Dj ufi" (by W. Madelung); Arzina R. Lalani, *Early Shī'ī thought: the teachings of Imam Muḥammad al-Bāqir*, London 2000.

/ نعمت الله صفري /

جابلقا و جابلسا (یا جابلق و جابلس) / جابلسا /

جابلس / جابلصا)، نام دو شهر تمثیلی در جغرافیای قدیم به ترتیب در سرحد مشرق و مغرب عالم.

همانجا) با دو طریق مختلف سلسله اسناد خود را به او می‌رسانند. به نظر می‌رسد این تفسیر شهرت داشته (مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۳) و نقلهای فراوانی هم که در تفسیر قرآن از قول جابر در متون تفسیری شیعی وارد شده، به احتمال قوی مأخوذ از همین کتاب است (برای تفصیل بیشتر درباره این تفسیر و نقلهای موجود از آن به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۲-۱۳۶).

(۳ کتاب النوادر، ۴ کتاب الفضایل، ۵ کتاب الجمل، ۶ کتاب صفین، ۷ کتاب نهران، ۸ کتاب مقتل امیرالمؤمنین، ۹ کتاب مقتل الحسین. نجاشی (همانجا) طریقه‌های خود را به هریک از این کتابها آورده است (برای آگاهی بیشتر درباره این آثار و نقلهای موجود از آنها به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۶-۱۴۳)، ۱۰ رساله ابی جعفر الی اهل البصره که نجاشی (همانجا) از آن با تعبیر «تضائف الیه» (منسوب به او) یاد کرده که شاید ناظر به احتمال جعلی بودن آن باشد. دیگر اثر جابر، کتاب حدیث السوری است که متن کامل آن را طبرسی (ج ۱، ص ۳۲۰-۳۳۶) آورده است.

اصل کتابهای یاد شده در دسترس نیست ولی منقولاتی از آنها در کتابهای معتبر و مشهور شیعی و سنی وجود دارد. موضوع این منقولات، فضائل اهل بیت علیهم السلام، کلام، تفسیر، فقه و از این قبیل است (برای نمونه به ابن حنبل، ج ۱، ص ۲۱۲، ۲۴۱، ج ۶، ص ۲۵۴؛ مسلم بن حجاج، ج ۱، ص ۲۰-۲۱؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۸، ۲۴۰، ۲۷۷، ج ۲، ص ۷۵۲؛ ابوداود، ج ۱، ص ۲۳۲ اردبیلی، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۶).

درباره سال وفات جابر بن یزید اقوال مختلفی (۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲) وجود دارد، بر اساس مشهورترین آنها، وی در سال ۱۲۸ درگذشته است (به ابن عدی، ج ۲، ص ۱۱۷؛ نجاشی، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۹؛ نیز به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۲۵).

منابع: ابن ابی حاتم، کتاب الجرح و التعذیل، خیدرآباد دکن ۱۳۷۱-۱۳۷۲/۱۹۵۲-۱۹۵۳؛ چاپ ائت بیروت [بی تا].؛ ابن حبان، کتاب المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، چاپ محمود ابراهیم زاید، حلب ۱۳۹۵-۱۳۹۶/۱۹۷۶-۱۹۷۵؛ ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛ ابن حنبل، مستدالامام احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی تا].؛ ابن داود حلّی، کتاب الرجال، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۹۲/۱۹۷۲، چاپ ائت قم [بی تا].؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن عدی، الكامل فی ضعفاء الرجال، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۸؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۰؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، [بی جا] دارالفکر، [بی تا].؛ ابوداود، سنن ابوداود، چاپ سعید محمد لحام، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛

الاختصاص، [منسوب به] محمد بن محمد مفید، چاپ علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بی تا]؛ محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواة و ازاحه الاستبانهات عن الطرق و الاسناد، قم: مکتبه المحدثین، [بی تا]؛ علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، چاپ هلموت ریتز، ویسبادن ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ محمد بن اسماعیل بخاری، کتاب التاريخ الكبير، دیار بکر: المکتبه الاسلامیه، [بی تا]؛ تستری: حرعاملی؛ احمد بن علی خطیب بغدادی، تقييد العلم، چاپ يوسف عش، [بيروت] ۱۹۷۴؛ خونئی؛ سمعانی؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ ابراهيم بهادری و محمد هادی به، قم ۱۴۲۵؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، الفهرست، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۷؛ احمد بن عبدالله عجلی، معرفة الثقات، چاپ عبدالعلم عبدالعظیم بستوی، مدینه ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ محمد بن عمرو عقیلی، کتاب الضعفاء الكبير، چاپ عبدالمعطی امین قلعهجی، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۸؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الکشی، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، تصحیح و تعلیق محمد باقر بن محمد میرداماد، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۴۰۴؛ حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۸۳ ش؛ یوسف بن عبدالرحمان مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ محمد علی موحدی ابیطحی، تهذیب المقال فی تفتیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی العباس احمد بن علی النجاشی، ج ۵، قم ۱۴۱۷؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ احمد بن علی نسائی، کتاب الضعفاء و المتروکین، چاپ محمود ابراهیم زاید، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ نشوان بن سعید حمیری، الحورالعین، چاپ کمال مصطفی، چاپ افست تهران ۱۹۷۲؛ حسین بن موسی نوختی، فرق الشیعة، چاپ محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف ۱۹۳۶/۱۳۵۵؛ حسین بن محمد تقی توری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰؛ یعقوبی؛

Michael Cook, "The opponents of the writing of tradition in early Islam", *Arabica*, XLIV, no.4 (Oct. 1997); *EP*, suppl., fascs. 3-4, Leiden 1981, s.v. "Dj ābir At-Dj ufi" (by W. Madelung); Arzina R. Lalani, *Early Shī'ī thought: the teachings of Imam Muḥammad at-Bāqir*, London 2000.

/ نعمت الله صفري /

جابلقا و جابلسا (یا جابلق و جابلس / جابلسا /

جابلس / جابلص)، نام دو شهر تمثیلی در جغرافیای قدیم به ترتیب در سرحد مشرق و مغرب عالم.

همانجا) با دو طریق مختلف سلسله استاد خود را به او می‌رساند. به نظر می‌رسد این تفسیر شهرت داشته (مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۳) و نقلهای فراوانی هم که در تفسیر قرآن از قول جابر در متون تفسیری شیعی وارد شده، به احتمال قوی مأخوذ از همین کتاب است (برای تفصیل بیشتر درباره این تفسیر و نقلهای موجود از آن به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۲-۱۳۶).

(۳ کتاب النوادر، ۴ کتاب الفضائل، ۵ کتاب التّجمل، ۶ کتاب صغین، ۷ کتاب نهران، ۸ کتاب مقتل امیرالمؤمنین، ۹ کتاب مقتل الحسین. نجاشی (همانجا) طریقه‌های خود را به هریک از این کتابها آورده است (برای آگاهی بیشتر درباره این آثار و نقلهای موجود از آنها به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۳۶-۱۴۳)، (۱۰ رساله ابی جعفر الی اهل البصره که نجاشی (همانجا) از آن با تعبیر «تُضَافُ اِلَيْهِ» (منسوب به او) یاد کرده که شاید ناظر به احتمال جعلی بودن آن باشد. دیگر اثر جابر، کتاب حدیث الشوری است که متن کامل آن را طبرسی (ج ۱، ص ۳۲۰-۳۳۶) آورده است.

اصل کتابهای یاد شده در دسترس نیست ولی منقولاتی از آنها در کتابهای معتبر و مشهور شیعی و سنی وجود دارد. موضوع این منقولات، فضائل اهل بیت علیهم السلام، کلام، تفسیر، فقه و از این قبیل است (برای نمونه به ابن حنبل، ج ۱، ص ۲۱۲، ۲۴۱، ج ۶، ص ۲۵۴؛ مسلم بن حجاج، ج ۱، ص ۲۰-۲۱؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۸، ۲۴۰، ۲۷۷، ج ۲، ص ۷۵۲؛ ابوداود، ج ۱، ص ۲۳۲؛ اردبیلی، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۶).

درباره سال وفات جابربن یزید اقوال مختلفی (۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲) وجود دارد، بر اساس مشهورترین آنها، وی در سال ۱۲۸ درگذشته است (به ابن عدی، ج ۲، ص ۱۷؛ نجاشی، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۹؛ نیز به مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۲۵).

مطایع: ابن ابی حاتم، کتاب الجرح و التعذیل، خیدرآباد دکن ۱۳۷۱-۱۳۷۲/۱۹۵۲-۱۹۵۳؛ چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن حبان، کتاب المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، چاپ محمود ابراهیم زاید، حلب ۱۳۹۵-۱۳۹۶/۱۹۷۵-۱۹۷۶؛ ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵؛ ابن حنبل، مستدال امام احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی تا]؛ ابن داود حلّی، کتاب الرجال، چاپ محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف ۱۳۹۲/۱۹۷۲، چاپ افست قم [بی تا]؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن عدی، الكامل فی ضعفاء الرجال، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۸؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۰؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، [بی جا] دارالفکر، [بی تا]؛ ابوداود، سنن ابوداود، چاپ سعید محمد لحام، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛

Carlsberg

RONART, Stephen and Nandy CEAC S. 257 - 258 257

1959 (AMSTERDAM)

JĀBIYAH, residence of the Kings of Ghassān* (Vth Cent.) which at the time of the Arab conquest* became an important military camp frequently mentioned by Arab historians as the place where Caliph 'Umar* in 637 assembled the most outstanding of the Prophet's companions* (*ashāb*) at the so-called Day of Jābiyah to lay down the principles of governance for the conquered territories. It was situated in the region extending between Mount Hermon, the Yarmūk and Jordan rivers, the so-called Jawlān (the biblical Golan and later Roman province Gaulanitis), but its exact location is not known. Unlike similar camps which grew into towns such as Basrah, al-Kūfah or al-Fustāt (Cairo) al-Jābiyah is not heard of after the IXth century. It has, however, survived in the memory of the people and its name is recalled in the *Bāb al-Jābiyah* (Jābiyah Gate) of Damascus down to this day.